

راهکارهای عملی اسلامی کردن دانشگاهها

فرامرز باقر آبادی *

دانشگاههای ما به عنوان دستگاههای انسان ساز جمهوری اسلامی باید انسانهایی شایسته اهداف عالی اسلام و انقلاب تربیت کند که نسبت به انقلاب، دین، کشور، استقلال ملی و آرزوهای بزرگ ملت مسلمان ایران حساسیت داشته باشد.

مقام معظم رهبری

در هر کشوری مسائلی مربوط به آموزش و تربیت افراد در مراکز آموزش عالی، در راستای تولید نیروی انسانی مطلوب و کارآمد، جهت اداره امور کشور با اهمیت جلوه می‌کند. تربیت و آموزش نیروی انسانی کارآمد باید مطابق با نیازهای جامعه و هماهنگ با ارزش‌های آن صورت گیرد. برگزیدن هر طریق دیگری بدون توجه به این امور بیراهه رفتن است و اجتناب از آن ضروری و لازم می‌باشد.

خواهد گرفت که از صلاحیت کافی برخوردار بوده و قادرند که از پس مسؤولیت‌های محوله برآیند. در جوامعی که دین و مذهب حرف اول را می‌زند، نحوه برخورد با تمام مسائل و امور باید هماهنگ با رهنمودهای مذهبی صورت گیرد. بنابراین در محیط دانشگاه و علم‌آموزی باید دین دخالت داشته و به علم جهت دهد و در حقیقت با ایمان به اصول دینی، خانه علم آباد گردد.

در نتیجه، در محیط دانشگاه باید افراد به گونه‌ای تربیت شوند که علاوه بر فراگرفتن علوم روز، از نظر اخلاقی و دینی نیز در آنها تحول ایجاد شود و در کل از ترکیب علم و ایمان، فردی وارد جامعه گردد که پاینده به مقدسات آن جامعه باشد، در مقابل ناملایمات اجتماعی حساسیت نشان دهد و برای کشور خود و استقلال و آرمانهای آن دل بسوزاند.

دانشگاه مکانی است آموزشی که در آن سازندگان فردای جامعه به کسب مهارت می‌پردازند. نحوه آموزش، وضعیت محیط آموزشی و علمی که در این مراکز به دانش‌پژوهان عرضه می‌گردد، قطعاً در نحوه عملکرد این افراد در آینده مؤثر خواهد بود. اگر این روند با ضابطه صحیح و به طور مثبت دنبال گردد کسانی از مراکز علمی فوق‌وارد جامعه می‌گردند، که در رشته‌ای خاص دارای تخصص بوده و می‌توانند گره‌گشای مشکلات باشند، در نتیجه زمام امور در دست افرادی قرار

در هر کشوری مسائلی مربوط به آموزش و تربیت افراد در مراکز آموزش عالی، در راستای تولید نیروی انسانی مطلوب و کارآمد، جهت اداره امور کشور با اهمیت جلوه می‌کند. تربیت و آموزش نیروی انسانی کارآمد باید مطابق با نیازهای جامعه و هماهنگ با ارزش‌های آن صورت گیرد. برگزیدن هر طریق دیگری بدون توجه به این امور بیراهه رفتن است و اجتناب از آن ضروری و لازم می‌باشد.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ و حاکم شدن ارزش‌های اسلامی، تحولی عظیم در تمام عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور ما به وقوع پیوست و در این بین نظام آموزش عالی کشور نیز دگرگون شد. علیرغم تلاش‌هایی که در جهت منطبق ساختن تعلیم و تربیت در سطح آموزش عالی با معیارها و ارزش‌های اسلامی صورت گرفته است، تاکنون آن گونه که شایسته است دانشگاه‌های کشور، در مجموع هویتی اسلامی ندارد. به گونه‌ای که در کادر هیأت علمی دانشگاه‌ها بعضی افراد با بی‌اعتنایی به مقدسات و ارزش‌های دینی و انقلابی بعضاً این مسائل را مورد حمله قرار می‌دهند، متون درسی که در دانشگاه‌ها ارائه می‌گردد، خصوصاً در گستره علوم انسانی حاصل تفکرات غربی بوده که اساساً با معیارهای اسلامی سنخیت ندارد، از این موارد که بگذاریم دانشگاه‌های ما حتی از نظر صورت و ظاهر نیز اسلامی نمی‌باشد.

وجود این خلاء مهم در نظام آموزش عالی کشور باعث شد که مقام معظم رهبری در بیانات خویش به طور صریح و قاطع اسلامی نبودن دانشگاه‌ها را مورد تأیید قرار دهند و مسؤولین ذیصلاح را به چاره جویی در رفع این معضل مهم و حیاتی و تغییر وضع موجود وادارند. تصریح به این حقیقت تلخ از سوی رهبر فرزانه انقلاب، خود اهمیت موضوع و حساسیت آن در پیشبرد اهداف انقلاب را می‌رساند به گونه‌ای که ایشان گذشت از مسأله اسلامی شدن دانشگاه‌ها را به مثابه گذشت از اصل انقلاب ذکر کرده است. در کلام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام راحل (ره) نیز به کرات حساس بودن مسأله دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مورد تصریح واقع شده است. به فرموده مقام معظم رهبری «اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دستمان برود همه چیز از دست رفته است»^(۱)

در وضعیت کنونی نظام آموزش عالی کشور نیازمند یک تغییر و تحول اساسی و بنیادین می‌باشد به نحوی که با برخورداری از تخصص کافی، مقید به ارزش‌های دینی و اخلاقی نیز باشد و این امر میسر نمی‌گردد مگر آنکه با برنامه‌ریزی‌های دقیق و سنجیده، زمینه حصول نتایج فوق‌مهبیا شود. در دانشگاه اسلامی به تعبیر مقام معظم رهبری: «عالیترین سطوح کیفی علم و دانش، تازه‌ترین پدیده‌های علمی و گسترده‌ترین و موفق‌ترین تلاش‌های علمی همراه با روشن‌ترین جلوه‌های اخلاق دینی و ایمان اسلامی وجود دارند...»^(۲)

در دانشگاه اسلامی باید از ترکیب علم و ایمان شخصیت‌هایی ساخته شوند که بتوانند در تحقق اهداف عالی شریعت مقدس اسلام و انقلاب اسلامی ایران نقش اساسی

داشته باشند، به بیان رهبر گرانقدر انقلاب: «دانشگاه نظام جمهوری اسلامی باید کسانی را تربیت کند که تکیه گاه این نظام به آنها باشد یعنی این نظام از لحاظ علمی و عملی و از لحاظ مدیریت و گشودن گره‌های ریز و درشت بر سر راه زندگی این ملت به آنها تکیه کند». «آن کسانی که بنیاد در آینده این نظام را اداره کنند باید مؤمن به این نظام یعنی مؤمن به اسلام و مؤمن به احکام و اصول ریشه‌ها و تفکرات این احکام بار بیایند و در دانشگاه یک چنین رسالت بزرگی وجود دارد».

حصول تحولاتی که مدنظر مقام معظم رهبری می‌باشد، ممکن نیست مگر آنکه فضای دانشگاه‌های کشور معطر به عطر ایمان در کنار پرداختن به عالیترین دستاوردهای علمی و پژوهشی گردد.

پس چاره‌ای نیست جز اینکه دانشگاه‌های ما اسلامی شوند که خود فرایند اسلامی شدن این مراکز نیازمند یک برنامه مدون و مرحله‌ای می‌باشد. برخوردهای سطحی و سلیقه‌ای با این مسأله نه تنها نتیجه مطلوب را در پی ندارد، بلکه در نهایت به کمرنگ شدن این امر حیاتی می‌انجامد.

برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و در نتیجه تربیت نیروی انسانی متعهد و کارآمد جهت اداره امور کشور به نحو مطلوب، فراهم شدن اسباب و علل متعددی لازم می‌باشد که بذل توجه و مهم تلقی کردن هر یک از این اسباب لازم و ضروری است. موضوع اصلی این مقاله اشاره به راه‌حل‌هایی است عملی که اگر به طور صحیح و منطقی به کار گرفته شوند قطعاً در حصول نتیجه اسلامی شدن محیط‌های آموزش‌های عالی مؤثر خواهند بود.

مطلب اول مربوط به نیروی انسانی است که عهده‌دار اداره آموزش دانشگاه‌ها می‌باشد. در سال‌های پس از انقلاب دخالت برخی افراد مسئله‌دار در مدیریت و کادر علمی دانشگاه‌ها همواره باعث ایجاد تنش در محیط‌های آموزش عالی بوده است. حال که اجرای پروژه اسلامی کردن دانشگاه‌ها در دستورکار قرار دارد باید در گزینش روسای دانشگاه‌ها و کادر هیئت علمی دقت بیشتری به خرج داد.

۱ - مدیریت دانشگاه‌ها

مدیریت دانشگاه اسلامی باید به فردی سپرده شود که از نظر علمی، دینی و اخلاقی سرآمد باشد. وجود یک شخص شناخته شده و قابل اعتماد در رأس سازمان هر دانشگاه و دانشکده نتایج بسیار مطلوبی در پی خواهد داشت. قطعاً چنین فردی که اختیار تصمیم‌گیری در بسیاری از زمینه‌ها را دارد، در مقابل کجروی‌ها و انحرافات ساکت نخواهد نشست و اجازه نخواهد داد که محیط مقدس دانشگاه به مرکز تعرض به

ارزشهای دینی و انقلابی تبدیل شود. ثانیاً چنین شخصی به حوزه فعالیت سایر قسمت‌های محیط آموزشی نظارت می‌کند که در نتیجه، آن امور به نحو مطلوب و قابل قبول پیش خواهد رفت و آخر الامر آنکه وجود یک مدیر متعهد در هر مرکز آموزش عالی، مایه دلگرمی و جدیت تشکل‌های دانشجویی فعال در دانشگاه می‌شود و دیگر شاهد تعارض‌های نامعقول بین مدیریت دانشگاهها و تشکل‌های مسؤول که سابقه دارد نخواهیم بود.

۲- اعضای هیئت علمی دانشگاهها

تردیدی نیست که متعلم همواره از رفتار و کردار و بیان معلم خود الگو می‌گیرد. اگر کسانی که به عنوان استاد در دانشگاهها فعالیت می‌کنند از نظر دینی و اخلاقی مسئله‌دار باشند، به طور قطع انحرافات در نگرش دانشجویان نسبت به مسائل پدید خواهد آمد.

برای اجتناب از وقوع این امر نامطلوب لازم است که مسئله آموزش به کسانی سپرده شود که با داشتن دانش کافی در رشته علمی خود، از نقطه نظر دینی و اخلاقی نیز در حد متعارف قابل اعتماد باشند.

در بین مدرسین فعلی مراکز آموزش عالی افرادی هستند که نه تنها تقیدی نسبت به ارزشهای دینی و انقلابی ندارند بلکه بعضاً به این ارزشها که بهای همه آنها خون هزاران شهید بوده است حمله‌ور می‌شوند و از آنها تحت عنوان افکار قرون وسطایی و موانع توسعه یاد می‌کنند. استمرار فعالیت این قبیل افراد در دانشگاهها روند اسلامی شدن مراکز آموزش عالی را کند و حتی خنثی می‌کند. هر چند محیط دانشگاه اقتضای آن را دارد که محل تضارب آراء و طرح افکار متفاوت باشد لکن نمی‌توان آنرا جایگاه هجوم به ارزشها قرار داد. به هر تقدیر در راستای اسلامی شدن مراکز علمی کشور، لازم است که به نوعی وضعیت این قبیل اشخاص که محیط علم و دانش را دچار تنش و برخوردی نامطلوب می‌کنند روشن گردد زیرا با وجود اینان هر تلاشی در جهت اسلامی کردن مراکز آموزش عالی به جایی نخواهد رسید ولو اینکه در سایر جنبه‌ها سرمایه‌گذاری کافی شود.

۳- گزینش اساتید دانشگاه

وجود عناصر ناصالح در کادر آموزشی دانشگاهها و عدم اعمال ضوابط متعارف گزینشی، مانعی جدی در مقابل اسلامی کردن دانشگاهها است، از این بابت نسبت به گزینش افرادی که داوطلب عضویت در هیأت علمی هستند دقت و توجه بیشتری

مبذول گردد. برای اجتناب از هرگونه برخورد سلیقه‌ای و اعمال نفوذ ناروا که در بعضی موارد به ناحق صورت می‌گیرد. باید گزینش استاد به صورت متمرکز و تحت نظر هیأت خاصی انجام شود و برای اظهار نظر قاطع در مورد صلاحیت شخص، باید از مراجع ذیربط سوابق داوطلب استعلام گردد.

ملاک گزینش استاد باید احراز دو شرط (تعهد) و (تخصص) باشد دو شرطی که فقدان هر کدام در وضعیت خاص به معنای عدم صلاحیت شخص جهت عهده‌دار شدن امر آموزش می‌باشد. اهمیت شرط اول واضح و مبرهن است و از توضیح پیرامون آن صرف‌نظر می‌کنیم. از آنجایی که دانشگاه اسلامی باید از نظر علمی و تحقیقی در رده عالی باشد و حصول این امر تا حدود زیادی منوط به بالا بودن سطح علمی اساتید است ضروری است که عضو هیئت علمی دانشگاههای مادر رشته خود دارای تخصص کافی باشد. در غیر این صورت، تربیت نیروی انسانی متعهد و کارآمد که فلسفه وجودی دانشگاهها در آن نهفته است هرگز حاصل نخواهد شد. به تعبیر مقام معظم رهبری: «دانشگاهی که نتواند علم و تحقیق را به دانشجو منتقل کند این توانایی را نداشته باشد که دانشجو را به عنوان یک عالم و استاد و مبتکر و بالاخره یک مدیر بالفعل برای اداره بعضی از بخشهای بی‌شمار جامعه بسازد دیگر دانشگاه نیست».

مطلب مهم دیگری که جهت اسلامی شدن دانشگاهها توجه به آن حائز اهمیت بسیار است، آموزش در دوره تحصیلات تکمیلی می‌باشد. در حال حاضر مراکز آموزش عالی کشور ما محتاج افراد متعهد و متخصص جهت عهده‌دار شدن امر آموزش می‌باشند. اگر در خصوص دوره تحصیلات تکمیلی که فارغ‌التحصیلان آن غالباً جذب هیأت علمی دانشگاهها می‌شوند، سرمایه‌گذاری کافی و مطلوب صورت بگیرد می‌توان نیروی انسانی حائز شرایط لازم را به عنوان مدرس به دانشگاهها فرستاد و بدین ترتیب بر یکی از موانع اصلی اسلامی شدن دانشگاهها فائق آمد. بدین ترتیب لازم است جهت نتیجه دادن سرمایه‌گذاریها در دوره‌های آموزشی فوق حتماً گزینش دانشجو صورت بگیرد و افرادی وارد این دوره‌ها گردند که مقید و عامل به اصول و مبانی اعتقادی اسلام و ارزشهای انقلابی باشند. از آنجایی که اعزام دانشجو به خارج از کشور در حال حاضر نتیجه مطلوب از آن حاصل نشده و با توجه به اینکه در شرایط فعلی مراکز آموزش عالی کشور ما با کمبود کار آموزشی مواجه هستند ضروری است هماهنگ با گسترش امکانات و قابلیت‌ها، ظرفیت پذیرش دانشجو در دوره تحصیلات تکمیلی افزایش یابد.

۴ - بازنگری در متون درسی و جهت بخشیدن

به تحقیقات دانشگاهی

در مباحث پیشین متذکر شدیم که دانشگاه اسلامی علاوه بر حاکمیت ارزشهای اسلامی و انقلابی در آن، از نظر علمی و پژوهشی هم باید نمونه باشد، زیرا به تعبیر مقام معظم رهبری (کار اسلامی آن است که کار علمی قوی داخل در آن باشد و کار علمی ضعیف اسلامی نیست).

اعتلای علمی و پژوهشی مراکز آموزش عالی قابل دسترسی نخواهد بود، مگر آنکه در گسترش کمی مراکز مذکور تجدید نظر شود. در سالهای اخیر متأسفانه به عللی تعداد مراکز آموزش عالی کشور به صورت قابل توجهی افزایش یافته و این عامل به پایین آمدن کیفیت آموزش در مراکز آموزشی منجر شده است. با توجه به نارسایی امکانات و وسایل آموزشی این قبیل مراکز، افرادی با مدارک گوناگون و به عنوان متخصص فارغ التحصیل و وارد جامعه می‌گردند که از حداقل دانش در رشته خود بی‌بهره‌اند، مضافاً اینکه از نظر اعتقادی و دینی هم سرمایه‌گذاری کافی روی آنها انجام نگرفته است. استمرار این وضعیت باعث نازل شدن قابلیت دانشجویان و عدم کنترل کافی و در نهایت خنثی شدن طرح‌ها و پروژه‌های مدنظر جهت تغییر محیط‌های آموزش عالی، خواهد شد و خلاصه کلام اینکه استمرار این حالت با فرایند اسلامی کردن دانشگاهها تعارضی آشکار دارد. بنابراین بر مسئولین آموزش عالی کشور است که در صدور مجوز تأسیس دانشگاه و دانشکده و امثال اینها دقت بیشتری به خرج دهند و در انجام این امر امکانات موجود و اهداف آموزش عالی را همسو با معیارهای اسلامی در نظر داشته باشند.

جنبه دیگر کار که قابل بررسی می‌باشد مسأله چگونگی آشنا کردن دانشجویان با مبانی اعتقادی و جهان بینی اسلامی و ایجاد روحیه دینی و انقلابی در آنها می‌باشد.

قسمتی از این امر مهم در پی اصلاح ظاهر دانشگاه و احیای ارزشهای اسلامی حاصل می‌شود و بعد دیگر کار جنبه آموزشی دارد. آشنا کردن دانشجویان با جهان بینی اسلامی و مبانی اعتقادی محتاج یک برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده می‌باشد. بدین ترتیب به عنوان یک امر لازم در راستای تحقق اسلامی شدن دانشگاهها، باید آموزش اصول و مبانی مذکور در تمام رشته‌های دانشگاهی جزء واحدهای درسی قرار گیرد. انتخاب متون درسی و اساتیدی که آموزش این دروس را بر عهده می‌گیرند، وقت و حساسیت خاصی را می‌طلبد.

مسأله مهم دیگری که پرداختن به آن در جهت تحقق اسلامی شدن مراکز آموزش عالی ضرورت دارد لزوم

تجدید نظر در متون درسی علی‌الخصوص در گستره علوم انسانی می‌باشد. در جامعه ما که ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی بر آن حاکم است باید همه مسائل در راستای کرامت، تعالی و تکامل انسان به کار گرفته شود به نحوی که سعادت دنیا و آخرت وی تأمین گردد. کسی که به عنوان دانشجو در دانشگاههای ما تحصیل علم می‌کند باید یافته‌هایی به وی ارائه گردد که ضمن همخوانی با اصول و مبانی اسلامی ناظر بر تکامل و تعالی بشر، با سیاستگذارهای کلی نظام اسلامی نیز هماهنگی داشته باشد.

متأسفانه در نگارش و تدوین کتب درسی دانشگاههای ما، سهم یافته‌های دیگران که سختی با الگوهای دینی و انقلابی ما ندارد بسیار چشمگیر می‌باشد و در این بین چندان که بایسته است به عقاید اندیشمندان مسلمان توجهی نشده است. لذا می‌بینیم که اندوخته‌های علمی دانشجویان در بسیاری از موارد نمی‌تواند جوابگوی نیازهای جامعه که باید براساس دین بر آورده شوند، باشد. از دانشجوی رشته اقتصاد که قسمت اعظم واحدهای درسی را متونی غیر از اقتصاد اسلامی تشکیل می‌دهد چگونه می‌توان انتظار داشت که الگوها و معیارهای اسلامی را در مورد اقتصاد اعمال کند؟

به هر تقدیر در جهت اسلامی شدن دانشگاهها واجب است که متون درسی مورد تجدید نظر واقع گردند و در بازنگری سعی شود که موضع اسلام در قبال هر شاخه از علم نیز در متون درسی گنجانده شود و تا آنجا که این امر میسر و عملی است از دراز کردن دست به سوی دیگران و به عاریه گرفتن اندیشه‌های آنان خودداری شود. جهت تحقق این تحول اساسی نقش «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» بسیار حساس و مهم می‌باشد. این سازمان باید با استفاده از عقاید اندیشمندان مسلمان و علمای اسلام، در خصوص تدوین کتب و منابعی که محتوای آنها بیانگر موضع اسلام در خصوص واقعیات اجتماعی است اقدام کند. البته بازنگری در متون درسی را نباید به عنوان قطع رابطه علمی با دیگر منابع تلقی کرد. مقصود این است که کتب و منابع درسی در درجه اول با اصول و ارزشهای دینی و انقلابی سنخیت داشته باشند و مطابق اهداف و جهان بینی اسلامی تهیه شده باشند. در کنار این منابع می‌توان از یافته‌های مفید دیگران که تعارضی با آموزه‌های دینی و انقلابی ما ندارد استفاده کرد.

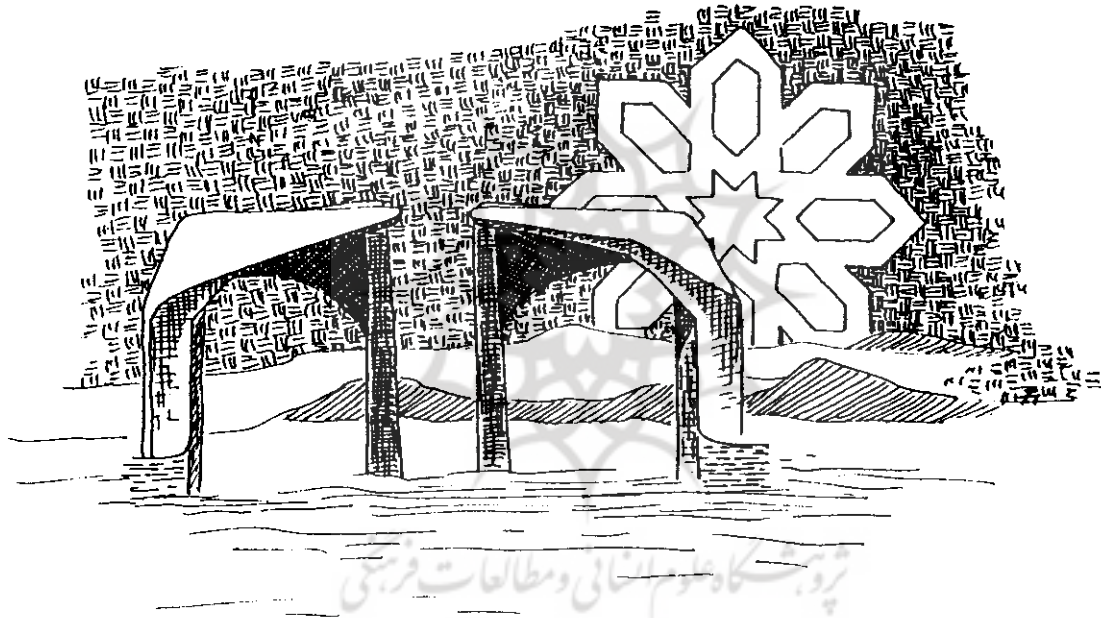
آخرین مطلبی که در این مبحث ذکر می‌گردد، مربوط به پایان نامه‌هایی است که در دوره تحصیلات تکمیلی «مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا» به رشته تحریر در می‌آیند. جوانان به اقتضای شور و حالی که دارند همواره در پی نوآوری و عرضه

مطالب جدید و ایده‌های نو می‌باشند. حال که اسلامی کردن دانشگاه در دستور کار قرار دارد بهتر است که انگیزه پژوهش در مسائل اسلامی لااقل به عنوان بخشی از پایان نامه در دانشجویان ایجاد گردد، لذا به فرموده مقام معظم رهبری: «دانشجویانی که پایان نامه آنها مایه اسلامی دارد باید در محیط‌های دانشگاهی مورد تکریم و احترام قرار گیرند»^(۳).

بر مسئولین نظام آموزشی کشور است که از این نوع پایان‌نامه‌ها حمایت مادی و معنوی جدی به عمل آورند. اگر در رشته‌هایی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم تربیتی و ... بررسی اصول و مبانی اسلامی و عقاید دانشمندان مسلمان به عنوان جزیی از کار ملحوظ گردد، پرده ابهام از بسیاری مسائل برداشته خواهد شد و می‌توان با منتشر ساختن بعضی از این پایان‌نامه‌ها که از اعتبار بالایی برخوردارند زمینه را برای تحقیقات جدی‌تر دیگر فراهم کرد.

هر گونه سیاسی کاری مضر برای آنها فراهم شود. آنچه مهم است خلوص نیت بوده و نام و عنوان تشکیل نباید چندان معتبر و مهم تلقی شود، رهبر انقلاب در پیام خود خطاب به دانشجویان مسلمان (مورخه ۷۵/۶/۵) فرموده‌اند: «نیت‌های خود را خالص کنید و با هر نامی که در دانشگاه به فعالیت اسلامی سرگرمید آن فعالیت را منظم و هوشمندانه همراه حکومت و کاردانی و به دور از جنجال‌های بیهوده و تعارض‌های بدفرجام شکل دهید».

آنچه گفتیم مربوط به تشکیل‌های دانشجویی بود. نهاد دیگری که استمرار و گسترش فعالیت آن در روند اسلامی شدن دانشگاهها قطعاً مؤثر می‌باشد. دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها است. این نهادها عهده‌دار وظایف سنگینی می‌باشند و باید در انجام امور محوله کاملاً هوشمندانه رفتار نمایند.



نقش نهادها و تشکلهای دانشجویی در اسلامی شدن دانشگاهها

۱ - نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها کشوری که تحت رهبری ولایت فقیه اداره می‌گردد باید در تمام حوزه‌های مدیریتی، اجرایی و آموزشی آن، اثر این مدیریت و رهبری نمود داشته باشد. دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها جهت فراهم کردن زمینه اجراء دستورات و منویات مقام معظم رهبری و سامان دادن به وضعیت دینی و اخلاقی دانشگاهها و هدایت معنوی دانش پژوهان باید تقویت گردد و اگر نواقصی در روند کار این نهاد وجود داشته است باید مرتفع گردد. در حال حاضر که اسلامی کردن دانشگاهها یک ضرورت است، وظیفه این نهاد که در حقیقت باید به عنوان ناظر این امر باشد بسیار سنگین است. دفاتر نهاد نمایندگی باید از وجود روحانیونی استفاده کنند

دانشگاه باید محل تضارب آراء و طرح افکار مختلف با حفظ اصول و ارزشها و به دور از هر گونه جنجال و هیاهو باشد. دانشجویی که در دانشگاههای کشور ما کسب علم می‌کند بنا به وضعیت خاص انقلاب ما باید دارای بینش سیاسی کافی باشد. فعال بودن تشکلهای دانشجویی در دانشگاهها قطعاً بر بینش و درک سیاسی دانشجویانی که با این تشکلهای سروکار دارند اثرگذار بوده و آنها را طوری آماده می‌سازد که در آینده در برابر ناملایمات و کج رویها موضع سکوت و انزوا را اختیار نکنند و در مقابل امور مذکور از خود حساسیت نشان دهند. بدین ترتیب تشکلهای و نهادهای دانشجویی در مراکز آموزش عالی باید بیش از پیش تقویت شوند و زمینه رقابت سالم و عاری از

که با مسائل و امور دانشگاهی آشنایی کافی داشته باشند. داشتن صبر و روحیه انتقاد پذیری باید از خصایص بارز این اشخاص باشد، تا بتوانند در انجام امور محوله به نتیجه برسند.

حاصل تجربیات روحانیون مدرس دانشگاه نشان می‌دهد که روحانیونی که از نظر علمی دارای رتبه‌عالی بوده و از نظر اخلاقی با تقوی و پرهیزکار بوده‌اند، به نحو گسترده‌ای بر اخلاق و رفتار همه دانشجویان تأثیر شگفتی گذارده‌اند. بنابراین لازم است که دانشگاه‌های ما در کادر آموزشی خود به نحو گسترده‌ای از وجود روحانیون استفاده کنند و این مهم به عهده نهاد نمایندگی است که روحانیون شایسته و دارای شرایط لازم را به دانشگاه دعوت نماید. مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت مداخله روحانیون در امر آموزش فرموده‌اند: «روحانیون دانش دین و معارف اسلامی را در دانشگاه‌ها به صورت قوی و مستدل و منطقی و قابل ارائه و متناسب با سطح فهم دانشگاهیان مطرح کنند. اما مهم‌تر از آن تأثیر رفتار و عملکرد روحانیون در تقویت ایمان مذهبی دانشگاهیان است زیرا علمای دین همواره مشعل راهگشایی بوده‌اند که مردم را با رفتار و روش زندگی و شیوه برخورد با مسائل، به دین دعوت کرده‌اند»^(۴).

۲ - تشکل‌های اسلامی دانشجویان

همان گونه که قبلاً یادآور شدیم دانشجوی دانشگاه اسلامی باید دارای بینش و درک سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطلوب باشد تا در برابر ناملایمات از خود واکنش مناسب نشان دهد و موضع بی‌تفاوتی اختیار نکند. تشکل‌های اسلامی اگر به طور صحیح و با ضوابط و اساسنامه حساب شده فعال گردند می‌توانند در ایجاد بینش و درک مسائل تأثیرگذار باشند. به نظر می‌رسد که در فرآیند اسلامی کردن دانشگاه‌ها وجود این تشکل‌ها در هر مرکز آموزش عالی ضروری باشد، مشروط بر اینکه رقابتها سالم و بدون جنجال باشد. در سالهای اخیر بعضاً مشاهده شده است که بین نیروهای خودی و طرفدار نظام، نسبت به مسائل و حوادث برخورد‌های متفاوت و بعضاً متعارضی صورت گرفته که نتیجه منفی آن را می‌توان کمک به پیشبرد اهداف دشمن در ایجاد تفرقه بین نیروهای وفادار به نظام دانست که خود این امر معلول عدم هماهنگی در نحوه فعالیت این تشکل‌ها بوده است.

در شرایط فعلی تشکل‌های دانشجویی باید از دامن زدن به هر گونه اختلاف که نتیجه آن نوعی تأیید بر توطئه‌های دشمنان است، جلوگیری کنند و اگر اختلاف سلیقه‌ای بین آنها در نگرش به مسائل وجود دارد باید آنها را کنار گذارند و در پاسخ به درخواست مقام ولایت فقیه که اتحاد را طلب کرده‌است

عملکرد مناسب از خود نشان دهند.

۳ - بسیج دانشجویی

بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها می‌تواند با نمایان ساختن جلوه‌های فرهنگ بسیجی و دفاع از ارزشهای انقلابی و به تحلیل کشاندن واقعیات دفاع مقدس و تجلیل از مقام شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی و همچنین بر پا کردن برنامه‌های مختلف فرهنگی و جنبی، محیط دانشگاه را متحول ساخته و روند اسلامی شدن دانشگاه‌ها را سرعت بخشد. صرف‌نظر از کار سیاسی، می‌توان از بسیج دانشجویی چنین انتظار معقولی داشت که اولاً انجام فعالیتهای فرهنگی و اردویی فوق برنامه مانند برگزاری مراسم‌های میثاق با شهدا، تشکیل کلاسهای عقیدتی... و ثانیاً انجام فعالیتهای پژوهشی در خصوص مسائل و مشکلات مختلف را در دستور کار خود قرار دهند.

نقش ظواهر اسلامی دانشگاه اسلامی

اسلامی کردن دانشگاه‌ها به معنای واقعی کلمه و آن گونه که مدنظر مقام معظم رهبری است، با حصول شرایط و زمینه‌های متعددی به دست می‌آید که اصلاح ظواهر دانشگاه نیز یکی از شرایط و در حقیقت علت ناقصه این امر می‌باشد. منحصر دانستن فرآیند اسلامی شدن مراکز آموزش عالی به ظواهر و اغماض از برخی مسائل مهم دیگر همان مطلبی است که رهبر انقلاب از آن تحت عنوان «سطحی نگری» یاد کرده و آن را مورد نکوهش قرار داده‌اند.

به هر تقدیر در کنار سایر شرایط، اصلاح ظواهر دانشگاه هم لازم و ضروری می‌باشد و در حقیقت دانشگاه هنگامی اسلامی است که، از در و دیوار آن احترام و پایبندی به شعائر دینی و مذهبی مشاهده گردد و چیزی خلاف شرع در آن نمایان نباشد. متأسفانه در حال حاضر در بعضی مراکز آموزش عالی، ظواهر اصلاً اسلامی نمی‌باشد که این امر به نوعی معلول موضع انفعالی مسؤولین دانشگاه‌ها می‌باشد. در شرایط فعلی باید این موضع به صورت جدی دنبال شود و ظواهر دانشگاه اصلاح گردد تا جزئی از مسئله اسلامی کردن محیطهای آموزش عالی حاصل گردد.

در دانشگاه‌های کشور ما اولاً: باید فریضه نماز به عنوان پایه دین هر شخص دیندار جدی گرفته شود. اگر در دانشگاه‌های کشور ما محیطهای نمازخانه موجود نباشد تمام سرمایه‌گذاری‌هایی که صرف تربیت اسلامی می‌گردد بیهوده خواهد بود. در دانشگاه‌های ما باید فرهنگ نماز کاملاً جایگاه خود را پیدا کند. تمام مراکز آموزش عالی باید بهترین مکان‌ها را به مسجد و نمازخانه اختصاص دهند و در موعد برگزاری نماز جماعت باید هیچ کلاسی دایر نگردد تا همه بتوانند در این

فریضه الهی شرکت کنند.

ثانیاً: پوشش و حجاب اسلامی که در آیات و روایات صراحتاً واجب قلمداد شده است باید جدی گرفته شود و حتی المقدور سعی گردد که با فراهم آوردن تمهیداتی، دانشجویان در حد معقول و متعارف به گونه‌ای که مخالفی با شرع مقدس صورت نگیرد، این فریضه اسلامی را در نحوه پوشش خود نمایان سازند و خود را از برخی انحرافات مصون بدارند. ثالثاً: با توجه به شرایط خاص و حساس دوران جوانی، اختلاط دانشجویان دختر و پسر در کلاسهای درس نتیجه و بازده سالمی ندارد و مشکلاتی را به دنبال دارد. برای ایجاد محیط اسلامی و پیشگیری از انحرافات، لازم است تا به تدریج و با تقویت کادر هیأت علمی مورد نیاز، زمینه برای تفکیک کلاس دانشجویان فراهم گردد.

در پایان این مقاله امید آن داریم که در آینده مراکز آموزش عالی کشور، از تمام جهات نمایانگر ارزشهای مذهبی و انقلابی باشند و از این مراکز افرادی وارد جامعه گردند که در عین بهره‌مندی از دانش کافی، نسبت به مصالح کشور و انقلاب نیز از خود حساسیت نشان دهند و اندوخته‌های علمی خود را در راه خدا و کمک به خلق خدا به کار ببندند تا به زودی شاهد شکوفایی انقلاب اسلامی ایران در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشیم. این مقاله را با کلامی از

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) در مورد اهمیت دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به پایان می‌بریم:

«باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده‌اش از دانشگاهها بوده است. اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم غارت‌زده تحمیل نمی‌شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخایر ایران و طلای سیاه این ملت رنجیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی‌شد»^(۵).

• پی‌نوشت‌ها

- ۱- ویژه نامه روزنامه رسالت ۱۳۷۴/۹/۲۶
- ۲- دیدار مورخه ۷۵/۶/۱۹ با مسؤولین نهاد نمایندگی
- ۳- ضمیمه روزنامه رسالت ۷۴/۹/۲۶
- ۴- پیام مورخه ۷۵/۶/۹
- ۵- وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره)

بسمه تعالی

اطلاعیه حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویی

با توجه به اهمیت پایان‌نامه‌های دانشجویان دوره‌های تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) و اینکه نزدیک به نیمی از پژوهشگران کشور را دانشجویان این دوره‌ها تشکیل می‌دهند، معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، برنامه خود برای حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویان دوره‌های تکمیلی در دانشگاههای سراسر کشور را به شرح زیر اعلام می‌دارد: ۱- موضوع پایان‌نامه در چارچوب یکی از محورهای چهارگانه: «علوم انسانی و اجتماعی اسلامی»، «اسلام و هنر»، «اسلام و طب»، «تکنولوژی، توسعه و جامعه اسلامی» باشد.

۲- حداقل $\frac{1}{3}$ حجم پایان‌نامه به تحقیق در زمینه اندیشه و رفتار اسلامی مربوط به موضوع پیشنهاد شده، اختصاص داده شود.

۳- موضوع پایان‌نامه قبل از پیشنهاد به معاونت پژوهشی نهاد، به تصویب مراجع ذیربط در دانشگاه مربوطه رسیده باشد.

۴- پایان‌نامه از محل دیگری - غیر از دانشگاه - مورد حمایت قرار نگرفته باشد.

۵- پایان‌نامه‌هایی که واجد شرایط چهارگانه فوق باشد، به دو روش: «قرارداد تحقیق» و «مساعدت مالی بدون قرارداد» مورد حمایت قرار خواهند گرفت.

اطلاعات بیشتر را می‌توانید از شماره تلفن ۸۸۵۳۶۲۶ دفتر پایان‌نامه‌های معاونت پژوهشی نهاد و یا دفاتر نهاد در دانشگاهها دریافت نمایید.

معاونت پژوهشی

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها